



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

ع

نگارہی مقام

حضرت

احمد
علیہ السلام

مفت مخزنانی استاد حسین انصاریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به مقام حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

دار العرفان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | نگاهی به مقام حضرت خدیجه (س) |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | سخن ناشر |
| ۷ | در جستجوی سرچشمه کوثر |
| ۱۲ | سرچشمه کوثر |
| ۱۵ | چله نشینی پیامبر به دستور خدا برای متولد شدن فاطمه |
| ۱۷ | سخن گفتن فاطمه با خدیجه در شکم مادر |
| ۱۷ | اظهارات شگفت پیامبر (ص) درباره خدیجه (س) |
| ۱۹ | سلام فرستادن خدا بر خدیجه (س) |
| ۱۹ | بیعت نمودن خدیجه با علی (ع) |
| ۲۰ | امام مجتبی (ع) هم قیافه حضرت خدیجه (س) |
| ۲۱ | نقش ثروت خدیجه (س) در برپایی دین اسلام |
| ۲۲ | زبان حال خدیجه (س) هنگام مرگ |
| ۲۴ | پاورقی |
| ۲۸ | درباره مرکز |

مشخصات کتاب

سرشناسه: انصاریان حسین ۱۳۲۳ - عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به مقام حضرت خدیجه (س)/مؤلف حسن انصاریان.
مشخصات نشر: قم دارالعرفان ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری: ۳۵ص. ۱۹/۵×۹ س.م شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۳۹-۳۰-۵-۳۵۰۰ ریال
موضوع: خدیجه (س) بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت. موضوع: زنان مقدس اسلام رده بندی کنگره: BP۲۶/۲/الف
۸۸۳۱ رده بندی دیویی: ۲۲۷۹/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۲۸۴۹۱

سخن ناشر

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جامه عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دست‌یابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمانه دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل الله: و سیراب گشتن از این چشمه پرفیض باز نموده است.

امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب الهنا و طيب نفوسنا ابي القاسم محمد صلى الله عليه و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين

در جستجوی سرچشمه کوثر

انسانی که شاغول زندگی خود را دستورات خداوند، انبیاء و ائمه قرار می دهد، به فرموده قرآن مجید، تبدیل به انسانی مستقیم خواهد شد. ریشه کلمه «مستقیم»، «ق و م» است، به معنای پایدار، استوار و پابرجا؛ وجودی که در دنیا از حمله همه خطرات معنوی در امان است، و در قیامت هم از طوفان های قیامت، فزع اکبر، عذاب خدا و آتش جهنم محفوظ است. این دو برنامه که یکی دنیایی است و یکی آخرتی، بهره مستقیم بودن است. وجود یک چنین انسان هایی، منافع مهمی برای دیگران و برای خودشان دارند. حالات این افراد، اخلاقتشان، اعمالشان، منششان و روششان، تربیت کننده نفوس و رشد دهنده دیگران است، و آن ها دیگران را در کنار خودشان مستقیم بار می آورند. هر یک نفری که به خاطر آن ها مستقیم شود؛ چنان که امام ششم (ع) با توضیح تأویلی یکی از آیات قرآن*، می فرماید: ثوابش برای آن ها، مساوی با این است که تمام انسان های آفریده شده، توسط آن ها مستقیم شده اند. از این رهگذر، بهره های ابدی خالص و دایمی و همیشگی به فرموده قرآن، نصیب آن ها می گردد. گاهی این گونه از افراد، جمع خانواده شان این چنین است؛ یعنی شوهر و همسرش، فرزند، عروس و داماد همگی مستقیم هستند، به خاطر

این که هم‌شان عاشقانه ، عارفانه بوده و با رغبت ، با میل ، با شوق ، شاغول الهی را که یا کتاب های آسمانی است یا قرآن و یا نبوت ، برای مستقیم بالا آمدن خودشان به کار گرفته اند . قوی ترین خانواده ، مستقیم ترین و سودمندترین در این عالم ، در اولین و آخرین ، خاندان وجود مبارک رسول خدا (ص) است که قرآن کریم تحت عنوان ، اهل بیتی که «يُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيراً» (۱) هستند ، از آن ها نام برده است .

آن هایی که چه در عالم ظاهر ؛ یعنی زمان حیات دنیوی این خانواده ، چه در عالم معنا ؛ یعنی بعد از پرواز این خانواده به جانب خدا ، وارد این خانه و این بیت شدند و متوسل به این خانواده گشتند ، فقط محض خاطر این بود که مستقیم شوند و وجودشان از معنویت ، منش و روش آن ها بهره برد و تبدیل به انسان مستقیم بشوند . یکی از آن هایی که در زمان خودشان وارد این خانه شد ، خانمی بود که به عنوان کارگری ، و یا به عبارت ساده تر ، به عنوان کلفتی وارد این خانه شد :

مردی می گوید که من در بیابان داشتم از جایی عبور می کردم که به خانم تنهایی برخوردم . ناراحت شدم و دلم سوخت که در این بیابان بی سر و ته عرب ، چی شده که این زن در این بیابان تنها و جدا مانده است . آمدم جلو و گفتم که کی هستی و چکاره ای؟ چرا در این جا قرار گرفتی؟ برگشت به من گفت : «فَقُلْ سَلَامٌ» (۲) ، «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» (۳) . این آیه های قرآن

را خواند که بگوید چرا ادب نکردی؟ مگر نگفتند به هر کس وارد شدی، اول سلام کن. جواب بگیر و بعد پیرس. دیدم درست می گوید. این چه زنی است که به من با محاسن سفیدم درس می دهد؟ معلوم می شود که ما هنوز خیلی ادب نشده ایم. گفتم: خانم! این جا چه کار می کنی؟ او در جواب من این آیه را خواند: «وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ» (۴)؛ این سؤال تو بی جاست کسی که در مدار هدایت خدا است، خیال می کنی گم شده؟ گم شده به آن می گویند که دین ندارد. کسی که دین دارد، هر کجا باشد، پیدا می شود.

بر این خزانه خلقت، گوهر آشکار، حق است. گفتم: آدمی هستی، جنی، پری ای؟ هیچ سخنی نمی گویی جز این که قرآن می خوانی. آخر جزء چه طایفه ای هستی؟ او در جواب این آیه را خواند: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (۵). فهمیدم آدمیزاد است. گفتم از کجا می آیی؟ این آیه را خواند: «أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ» (۶). از این سخن معلوم شد او از راه دوری آمده است. گفتم: کجا می روی؟ گفت: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (۷). فهمیدم قصد کعبه را دارد. گفتم چند روز است که در سفر حج آمدی؟ گفت: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» (۸). با آیه به من فهماند شش روز است که به این سفر آمده. گفتم:

آیا در این پنج و شش شبانه روز غذا خورده ای؟ در جواب این آیه را خواند: «وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَداً لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ» (۹): خداوند جسد و بدن آنان (انبیا) را طوری قرار نداده است که طعام نخورند. گفتم که پس عجله کنید تا از این جا برویم و به قافله برسیم. اگر بتوانیم به قافله برسیم، از این بیابان نجات پیدا می کنیم. گفت: «وَلَا نُنَكِّلُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَهَا» (۱۰). می خواست به من بفهماند که قدرت پایش همین مقداری است که می بینم و این قدرت را ندارد که بخواهد بدود و چنین کاری در توانش نیست. به او گفتم: بیا پشت سر من سوار مرکب من شو تا هر دو با یک مرکب برویم. گفت: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (۱۱) با خواندن این آیه خواست به من بگوید چگونه ممکن است یک مرد نامحرم و زن نامحرم یک جا سوار بشوند؟ چون وقتی بدنشان نزدیک هم باشد، تولید فساد می کند. گفتم: شما منظور من را از دعوت کردن به سوار شدن، به اشتباه فهمیدی. بعد پیاده شدم و گفتم: شما سوار شوید، و سوار شد و این آیه را خواند: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» (۱۲). تا به قافله رسیدیم، گفتم: خانم! در این قافله کسی را داری که آشنای تو باشد؟ چهار آیه خواند: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ» (۱۳)، «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ

بِقُوِّهِ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» (۱۴) ، «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (۱۵) ، «يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي» (۱۶) با خواندن این آیات به من فهماند که آسناهايش در اين سفر و در اين قافله ، آن چهار نفری هستند که در این چهار آیه ، اسمشان برده شده است . به کنار قافله که رسیدیم ، هر چهار نفر آنان آمدند و دورش را گرفتند . او سمت من برگشت و رو به من این آیه را خواند : «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (۱۷) . با قرآن به من گفت این ها پسران من هستند . بعد رو کرد به هر چهار نفرشان ، و با این آیه : «يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (۱۸) به آن ها فهماند که ای بچه های من ! این فرد برای نجات من زحمت کشید و کارش را بی ارزش ندانید و در برابر زحمتش ، به او پول بدهید . پسرانش پول که دادند ، او نگاهی به پول کرد و با خواندن این آیه قرآن : «وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (۱۹) ، به پسرانش فهماند که پولی که داده اند ، کم است و باید آن را اضافه کنند . به پسرانش گفتم : من که از این زن مات زده شده ام ، می خواهم بدانم او کیست ؟ گفتند : مادرمان کنیز حضرت فاطمه زهرا (س) بود و بیست سال است با غیر از قرآن ، با ما حرف دیگری نزده است . (۲۰)

نتیجه این حکایت این است که کُلِّفْتُ و کارگر این

خانواده ، خودش شاغول می شود برای خانواده های جهان ؛ یعنی قرآن ، همه خانواده ها ، خانواده های مؤمن و اسلامی را این گونه می خواهد باشد : « وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ » (۲۱) : من شما مردم مسلمان و امت اسلام را در همه خوبی ها ، گواه و شاهد بر مردم عالم می خواهم که همه منش ، روش و رفتارشان شاهد بر خوبی ها باشد و مردم دنیا هر چیزی از شما می بینند ، آن را مثبت ببینند ؛ خوبی ببینند ؛ پاکی ببینند ؛ درستی ببینند . شما خانواده مسلمان ، از مرد و زن ، از پیر و جوان ، از دولت و ملت ، از ثروتمند و فقیرتان باید شبیه اهل بیت : باشد .

سرچشمه کوثر

این کلفت خانه آنان بود که روش ، منش ، حال ، اخلاق و اعمال او ، روش ، منش ، حال ، اخلاق و اعمال فاطمه زهرا (س) شده است ؛ یعنی فاطمه زهرا (س) که مستقیم ترین زن در جهان خلقت است ، این مستقیم بودنش را ، استقامتش را و درست بودنش را ، نه با زبان ، بلکه به صورت عملی به یک کلفت انتقال داده ، و از نظر وجودی ، این کلفت تبدیل به مصداق عینی قرآن شده است .

آنچه گفتیم ، این پرسش را پیش می آورد که حضرت زهرا (س) خود ، این همه مایه های بی نهایت مثبت را از کجا آورده است؟ باید در شیر حضرت زهرا (س) دقت کرد که چه سینه ای به این دختر شیر داده و چه شیری به او داده است ، و آن مادری که این دختر

نه ماه در رحم او رشد کرده ، دارای چه حالاتی بوده است . او چه اخلاقی و چه کرامتی داشته است . او چقدر مستقیم بوده است که از طریق رحم ، از طریق شیر ، از طریق عمل ، از طریق اخلاق ، در این دختر جلوه کرده ، مگر نه این که قرآن مجید می گوید ، اول وجود مادر و بعد ، وجود پدر ، در وجود فرزند جلوه می کند ، و هر چه در پدر و مادر باشد ، در وجود بچه سر در می آورد . مصالح ساختمان وجود بچه ، مربوط به پدر بوده و نود درصدش مربوط به مادر است : «اشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ» (۲۲) . حالا ببینید خدیجه کبری (س) چگونه زنی بود؟ با تحقیقاتی که خود من در مهم ترین کتاب ها کرده ام و در این تحقیقاتم به یقین رسیده ام ، این است که قبل از پیغمبر (ص) ، خدیجه کبری (س) حاضر نشد ، احدی از افراد مکه را به عنوان شوهر انتخاب کند ؛ چون فردی را از نظر اخلاق ، روش ، منش و عقل و خرد هم شأن خودش نمی دید . او خانمی بود با اندیشه ، عاقل ، متفکر ، دانا ، بینا و دارای بصیرت ، و حاضر نشد کنار یک بت پرست و مُشْرک یک روز را هم به سر ببرد . این خانم تا چهل سالگی ازدواج نکرد (۲۳) ، و مطلقاً افرادی که می گویند ایشان قبل از پیغمبر دو بار ازدواج کرده است ، سخنی را می گویند که در کتاب های اهل سنت آمده (۲۴) ، آن هم تا یک

قرن معینی که این خبر آن جا قطع شده و قبل از آن ، دیگر چنین مسأله ای در کتاب های گذشته آنان وجود نداشته است ؛ یعنی این تحقیقات کاملاً نشان می دهد که این دو شوهر نسبت داده شده به حضرت خدیجه (س) ، ساختگی ، دروغ و قلابی بوده است .

حضرت خدیجه (س) که به سنّ چهل سالگی که می رسد ، دارای ثروت فراوانی است و عده ای هم با ثروت او کار می کنند و حق العمل می گیرند . از جمله کسانی که حاضر شد با کاروان تجارتی حضرت خدیجه به شام برود ، رسول خدا (ص) بود که در آن زمان حدود بیست و چهار سال داشت . کاروان تجارتی خدیجه ، از برکت قدم پیغمبر (ص) ، تنها با رفتن به یک سفر شام ، سود فراوانی کرد . با برگشتن این کاروان ، خدیجه به غلامش میسره گفت : از ماجرای رفتن و برگشتن کاروان چه خبر؟ او به خدیجه کبری (س) گزارش داد که برخلاف هر بار ، این بار کسی در کاروان بود که معدن ادب ، فضیلت ، پاکی ، امانت ، کرامت ، صداقت ، اصالت خرد و معرفت ، درستی ، وقار و آرامش بود . این مجموعه را میسره برای خدیجه (س) گفت . این فضایل ، کرامات ، درستی ها ، واسطه حضرت خدیجه (س) شد برای ازدواج با این شخصیت دوست داشتنی (۲۵). این ازدواج تنها و برای محض تأمین غریزه جنسی انجام نگرفت . اگر پای بدن در کار بود ، همان وقت که حضرت سیزده و چهارده ساله بود ، ازدواج می کرد ، و هر کسی هم از

او خواستگاری می کرد ، آن را قبول می کرد و این قدر منتظر نمی ماند ؛ اما این خانم آمد و حاضر شد با شرافت ازدواج کند ؛ با کرامت ، با فضیلت ، با درستی ، با صدق ، با وفا ، با صفا ، با عقل ، ازدواج کند . برای همین ، به روایتی خود خانم به خانواده پیغمبر پیشنهاد داد که اگر جوانتان برای ازدواج حاضر است و درباره سنّ من ایرادی ندارد ، من حاضرم با او ازدواج کنم . پیغمبر (ص) می دانست که چه کسی به او پیشنهاد ازدواج داده است . پیغمبر (ص) خبر داشت که این خانم با همه ثروتش ، دنیای عفت و عصمت است ؛ دنیای پاک دامنی و فضیلت است . پیغمبر هم که ملاک ازدواجش ، نه جوانیش بود ، و نه غریزه جنسی و شهوت ، این پیشنهاد را پذیرفت و با آدمیت ، انسانیت و عقل ازدواج کرد . این چنین است که باید محصول این ازدواج ، فاطمه (س) بشود ؛ یعنی دو عقل ، دو خرد ، دو فضیلت ، دو کرامت ، دو عظمت ، دو دریای صدق و وفا ، با همدیگر ، وجود فاطمه زهرا (س) را تشکیل می دهند . زهرا (س) از یک طرف خدیجه (س) است ، و از یک طرف ، پدرش ، پیغمبر (ص) ، است .

چله نشینی پیامبر به دستور خدا برای متولد شدن فاطمه

ازدواج صورت گرفت . جبرئیل (ع) نازل شد و گفت : یا رسول الله (ص) ! خدا می فرماید ، چهل روز روزه بگیر و خانه خدیجه را هم ترک کن . رسول الله (ص) تا شب چهلم ، چهل

روز روزه گرفت . یکی از یاران باوفایش را فرمود ، به در خانه خدیجه (س) برود و از طرف او بگوید : خدیجه بزرگوار ! من قهر نکرده ام ، بلکه من به دستور خدا ، خانه را ترک کردم و به زودی برخواهم گشت و هیچ عیب و علتی در بین نیست و تنها من باید چهل روز از شما کناره گیری کنم و دستور خدا چنین است ، و برای این که بدانی خدیجه تو کیستی ، به تو خبر می دهم که پروردگار در شبانه روز ، چندین بار ، به وجود تو بر تمام ملائکه مباهات می کند . شب چهلم جبرئیل آمد و گفت : درب را ببندید و وقت افطار کسی را در خانه راه ندهید . بعد طَبَقی جلوی پیغمبر گذاشت و گفت : با این طعام افطار کن . سپس طبق را گشود . در آن خوشه هایی از خرما و انگور که قسمتی از آن خورده شده بود ، قرار داشت . پیامبر با آن طعام افطار کرد و بلند شد و به سمت محراب عبادت رفت . جبرئیل شانه اش را گرفت و گفت : خدا می فرماید عبادت امشب تو ، رفتن به نزد خدیجه (س) است . الآن تو با چهل شبانه روز روزه و عبادت ، آماده این شده ای که ریشه زهرا (س) در وجودت جوانه بزند و باید این ریشه را امشب به خدیجه منتقل نمایی . (۲۶) فاطمه (س) در آن جا باید نُه ماه تربیت شود و رشد کند . این رحم پاک ترین رحم عالم است . اگر رحم دیگری شایستگی زهرا (س) را داشت ، او در

آن رحم رشد می کرد .

سخن گفتن فاطمه با خدیجه در شکم مادر

خدیجه کبری (س) که حامله شد ، یک روز پیغمبر (ص) آمد و دید در خانه صدای صحبت می آید . ایشان در اتاق را باز نکرد تا صحبت خدیجه (س) تمام بشود . این رفتار پیامبر (ص) ؛ یعنی ادب بکنید و در حرف مردم ندوید . حرف های آن ها با هم که تمام شد ، دید که خدیجه (س) تنهاست و خانم دیگری هم پیشش نیست . به خدیجه (س) گفت : پس شما با چه کسی حرف می زدی؟ خدیجه (س) گفت : آقا! با این بچه ای که در رحم دارم . این کار ، باعث آرامش و مایه قرار من شده است . او با من حرف می زند و به من دلداری می دهد . این بچه ، مسایل شگفت انگیزی را برای من مطرح می کند . رسول الله (ص) فرمود : خدیجه (س) ! به من خبر داده اند که این بچه دختر است و مادر یازده امام و همسر امام . این عنایت را خدا نسبت به تو انجام داد . (۲۷)

اظهارات شگفت پیامبر (ص) درباره خدیجه (س)

رسول خدا (ص) اظهارات شگفتی را درباره خدیجه (س) ابراز کرد . چه شگفت است این نظریاتی که وجود مقدس رسول خدا (ص) درباره خدیجه کبری (س) داشت و این زن چه زن فوق العاده ای بود . رسول خدا (ص) می فرماید : «أَفْضَلُ نَسَاءِ الْجَنَّةِ أَرْبَعٌ : خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ ، وَ آسِيَةُ بِنْتُ مُرَّاحِمٍ ، امْرَأَةٌ فِرْعَوْنِ» (۲۸) : برترین زنان هشت بهشت ، چهار زن بوده و بیش تر نیستند : خدیجه (س) ، فاطمه (س) ، مریم ، آسیه . ببینید با این شاغول

قرآن ، خدیجه (س) تا کجا پرواز کرد . او آمد و در کنار زهرا (س) ، مریم و آسیه قرار گرفت . بهترین زنان بهشت ، چهار نفرند : مریم بنت عمران ، خدیجه بنت خویلد ، و فاطمه بنت محمد ، و آسیه بنت مزاحم ، زن فرعون . امام موسی کاظم (ع) فرموده : «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ : إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا : مَرْيَمَ ، وَ أَسِيَّةَ ، وَ خَدِيجَةَ ، وَ فَاطِمَةَ» (۲۹) : (ص) می فرماید : خدا از نظر ایمان ، اخلاق و عمل ، به تمام زنان اولین و آخرینشان نظر کرد و چهار زن را به عنوان بندگان برتر ، انتخاب کرد : مریم ، آسیه ، خدیجه (س) و فاطمه (س) .

پیغمبر (ص) فرمود : «اشْتَأَقَتِ الْجَنَّةُ إِلَى أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ : مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ ، وَ أَسِيَّةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ ، زَوْجَهُ فِرْعَوْنُ ، وَ هِيَ زَوْجَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْجَنَّةِ ، وَ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ، وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (۳۰) : بهشت ، ولع دیدار با این چهار زن را دارد و می گوید که این چهار زن چه وقت در من قرار می گیرند که من دارم از فراق این ها ، می میرم ؛ شوق بهشت به این چهار زن است : مریم دختر عمران ، آسیه دختر مزاحم ، زن فرعون در دنیا و زن بهشتی پیامبر (ص) در آخرت ، خدیجه (س) دختر خویلد ، همسر پیامبر (ص) در دنیا و آخرت ؛ یعنی ده میلیون حور العین

جای یک خدیجه (س) را در قیامت نمی گیرند و به تعبیری ، حور العین آن جا راه ندارد ؛ خدیجه (س) به جای مُزد حور العین پیغمبر (ص) ، برای پیغمبر (ص) بس است ، و فاطمه (س) ، دختر پیامبر (ص) .

سلام فرستادن خدا بر خدیجه (س)

جبرئیل (ع) بر پیامبر (ص) نازل شد . پس گفت : «اقْرَأْ خَدِيجَةَ السَّلَامِ مِنْ رَبِّهَا .» : سلام من را به خدیجه برسان ، پس رسول الله (ص) گفت : «يَا خَدِيجَةُ ! هَذَا جِبْرَائِيلُ يَفْرُئُكَ السَّلَامَ مِنْ رَبِّكَ» : الآن جبرئیل (ع) پیش من است و از جانب خدا به تو سلام می رساند ، پس خدیجه (س) گفت : «اللَّهُ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَى جِبْرَائِيلِ السَّلَامُ» . (۳۱)

بیعت نمودن خدیجه با علی (ع)

علی (ع) سیزده ساله بود که پیغمبر (ص) او را صدا زد و فرمود : علی جان ! بیا کنار من بنشین ، و به خدیجه (س) هم فرمود : خدیجه من ! شما هم بیا . بعد رو به آن ها گفت : پس از مرگ من ، ولایت علی (ع) بر جهان واجب می شود و امام بعد از مرگ من ، علی (ع) است ، هر چند الآن او سیزده ساله است و هنوز زمان ولایت او نرسیده ، ولی من می خواهم پیش خدا پرونده ات پر و کامل بشود . علی جان ! دستت را بگذار روی زمین ، و امیرمؤمنان (ع) دستش را روی زمین گذاشت . پیغمبر (ص) هم دستش را گذاشت روی دست علی (ع) ، و بعد به خدیجه (س) فرمود ، دستت را بگذار روی دست من ، و با علی (ع) به عنوان امام واجب الاطاعه بیعت کن ؛ چون در قیامت اگر در پرونده مردم ، رضایت علی (ع) نباشد ، آنان اهل نجات نیستند . خدیجه (س) گفت : یا رسول الله ! به جان ، ولایت علی (ع) را می خرم و با علی (ع) بیعت

می کنم تا آن جا که حاضرم جانم را فدای علی (ع) کنم (۳۲). این بیعت ، یک بیعت صحیح است .

امام مجتبی (ع) هم قیافه حضرت خدیجه (س)

امام مجتبی (ع) در توضیح آیه شریفه «فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» (۳۳) : من شما را در رحم مادرتان به هر شکلی که خواستم صورت بندی کردم و قیافه به شما دادم ، فرمود : «صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ فِي ظَهْرِ أَبِي طَالِبٍ عَلَى صُورَةِ مُحَمَّدٍ ، فَكَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» (۳۴) : خدا در صلب ابی طالب شکل و قیافه علی (ع) را به شکل و قیافه پیامبر نقاشی کرد . تا حالا می دانستید علی (ع) شکل کیست؟ مگر خدا در قرآن نمی فرماید : علی و پیغمبر ، جان هم هستند «وَ أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» (۳۵) ، «فَكَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» ، و اما خدواند برادرم حسین (ع) را به شکل مادرم فاطمه (س) در رحم مادر نقاشی کرد : «وَ كَانَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ أَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطِمَةَ» (۳۶) ، و ایا من را که می خواست در رحم مادرم زهرا (س) صورتگری کند ، من را به شکل مادر بزرگم خدیجه (س) نقاشی کرد : «كُنْتُ أَشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِيجَةَ الْكُبْرَى» (۳۷).

کار شخصیت این زن و مستقیم شدنش به جایی رسید که ما می خواهیم امام حسین (ع) را معرفی کنیم ، برخلاف آنچه در دنیا مرسوم است که افراد را با پدرانشان معرفی می کنند ، ما ابا عبدالله (ع) را در دو جا ، با مادر معرفی می کنیم : «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

نقش ثروت خدیجه (س) در برپایی دین اسلام

در روایت دارد که در روز غربت پیغمبر (ص)، خدیجه (س) وزیر صادق پیغمبر (ص) بود و پیغمبر (ص) در کنار او آرامش می یافت (۳۹). با این که خدیجه (س) پیش از ازدواج با پیامبر (ص)، زنی ثروتمند بود، تمامی بیست میلیون دینار ثروت خود را در مسیر و راه پیغمبر هزینه کرد. ابن عباس در تفسیر آیه «وَوَحَّدَكَ عَائِلًا فَاَعْنَى» (۴۰) فرموده: خداوند می گوید: خداوند تو را پیش قومت، فقیر یافت بی آن که مالی برای تو باشد، پس با مال خدیجه تو را بی نیاز کرد (۴۱). پیغمبر نیز در تجلیل این فداکاری فرمود: «مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ دِينِي إِلَّا بِشَدَائِعِنَّ: مَالِ خَدِيجَةَ وَ سَيِّفِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» (۴۲): این دین به مال خدیجه (س) و شمشیر علی (ع) تا روز قیامت پا بر جا شد؛ یعنی پیغمبر (ص) ثواب مال خدیجه (س) را گذاشت کنار شمشیر علی (ع). در پاسخ به این تلاش ها و یاری ها بود که پیغمبر (ص) خدیجه (س) را به پاداش خانه ای در بهشت بشارت داد، خانه ای از یک

قطعه (از زبرجد) در بهشت که در آن رنج و ناآرامی نیست. (۴۳)

خدیجه (س) تمام سختی ها را همراه پیغمبر (ص) تحمل کرد و تمام هزار شبانه روزی که حضرت (ص) در شعب ابی طالب حبس بود، این بانو خم به ابرو نیاورد. این زن، هزار شبانه روز، تشنه، گرسنه و پابرهنه در محاصره دشمن به سر آورد و در این مدت، همیشه به پیامبر (ص) می گفت: جان من فدای تو باد!

او که از

آن هزار شبانه روز محاصره ، به درآمد ، از بس که در این محاصره زجر دیده بود ، بیمار شد و به مرگ نزدیک گشت . (۴۴)

زبان حال خدیجه (س) هنگام مرگ

بیماری خدیجه (س) که شدت گرفت ، پیغمبر (ص) به نزد او رفت و کنار بسترش نشست . خدیجه (س) گریه می کرد . پیغمبر (س) فرمود : خدیجه جان ! چرا گریه می کنی؟ عرض کرد : الان که لحظات آخر عمرم است ، فقط برای یک مسأله گریه می کنم و آن این است که نمی دانم الان که دارم می میرم ، آیا خدا از من راضی است یا نه؟ جبرئیل (ع) نازل شد و فرمود : یا رسول الله ! خدا می فرماید ، سلام من را به خدیجه (س) برسان و بگو ، من از تو راضی هستم . خدیجه شاد شد . بعد خدیجه (س) گفت : آقا ! من خواهشی از شما دارم ، ولی خجالت می کشم آن را به شما بگویم ؛ شما از اتاق بیرون بروید تا من آن را به دخترمان فاطمه (س) بگویم تا او بعداً آن را به شما بگوید . خدیجه (س) فاطمه پنج ساله را صدا کرد و از او خواست که کنارش بنشیند . سپس به او گفت : فاطمه من ! من می خواهم به خانه قبر بروم و به عالم برزخ داخل شوم ، برای محفوظ ماندن من از عذاب قبر و برزخ ، تو به پدرت بگو مرا در عبای خودش بپیچد و کفن کند . فاطمه جان ! می دانی پدرت در این عبا چقدر خدا را عبادت کرده؟ فاطمه (س) گفت : چشم مادر . فاطمه (س)

بیرون آمد و گفت: پدر! مادر می گوید من را در عبای خودت کفن کن! پیغمبر فرمود: فاطمه جان! چشم، و عبای خود را به او داد. فاطمه (س) آن را برای مادر بُرد و مادر از دیدن آن، بسیار خوشحال شد.

هنوز سه روز از وفات ابوطالب (ع) نگذشته بود که خدیجه (س) هم وفات یافت. پیغمبر (ص) شروع کرد به این که جسم شریف آن حضرت را آماده سفر آخرت نماید، همین که خواست حضرت را کفن کند، جبرئیل (ع) نازل شد و گفت: در میان این بقچه، کفن خدیجه (س) است از لباس های بهشتی که خداوند آن را به او هدیه نموده. بعد بقچه ای به پیغمبر (ص) داد و گفت: یا رسول الله! خدا پنج کفن فرستاده که اولین آن ها متعلق به خدیجه (س) است. اما عبایی که از تو خواسته، نخست، رویش را با آن بپوشان و بعد او را با کفنی که من داده ام، بپوشان. دومین این کفن ها هم متعلق به دخترت فاطمه (س) است و یکی از آن ها هم متعلق به خودت است، و چهارمین آن ها هم متعلق به علی (ع) است و پنجمین آن ها هم متعلق به حسن (ع) تو است. (۴۵)

پیغمبر (ص) که نمی خواست فاطمه (س) شاهد مرگ مادرش باشد، فاطمه (س) را بغل کرد و به خانه ابوطالب برد و او را به زن عمویش، فاطمه بنت اسد، مادر علی (ع)، سپرد. بعد هم برگشت سر خدیجه (س) را به

دامن گرفت . خدیجه (س) از دنیا رفت . هنگام مرگ ، فرشتگان به استقبال حضرت آمده بودند . (۴۶) سپس جسد مطهر خدیجه (س) را با یارانش به حجون بردند تا او را در کنار قبر مادرش ، حضرت آمنه ، به خاک بسپارند . هنوز نماز میت تشریح نشده بود ، برای همین خود رسول خدا (ص) در آن قبری که برای حضرت خدیجه (س) آماده کرده بودند ، رفت و خوابید و سپس بیرون آمد . بعد آن گوهر پاک را در آن جا به خاک سپرد و او با ملکوتیان هم نشین شد .

پیامبر (ص) که به خانه رفت ، پیوسته فاطمه خردسال به گرد پیامبر می چرخید و سراغ مادرش را می گرفت ، و رسول الله (ص) نمی دانست به او چه بگوید تا این که جبرئیل (ع) نازل شد و گفت : پروردگارت به تو دستور می دهد که بر فاطمه (س) سلام کنی و به او بگویی که مادرت در میان آسیه ، زن فرعون ، و مریم ، دختر عمران ، به سر می برد ، در خانه ای از تارهای طلا- و نقره که چارچوب هایش ، از طلا- و ستون هایش ، از یاقوت قرمز است . پس فاطمه (س) گفت : «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَإِلَيْهِ السَّلَامُ» . (۴۷)

پاورقی

*. اشاره به آیه ۳۲ سوره مائده.

۱. احزاب: ۳۳.

۲. انعام: ۵۴.

۳. انعام: ۶۷.

۴. زمر: ۳۷.

۵. اعراف: ۳۱.

۶. فصلت: ۴۴.

۷. آل عمران: ۹۷.

۸. فرقان: ۵۹.

۹. انبیاء: ۸.

۱۰. مؤمنون: ۶۲.

۱۱. انبیاء: ۲۲.

۱۲. حم: ۱۳.

۱۳. آل عمران: ۱۴۴.

۱۴. مریم: ۱۲.

۱۵. ص: ۲۶.

۱۶. طه: ۱۱۱۴.

۱۷. کهف: ۴۶.

۱۸. قصص: ۲۶.

۱۹. بقره: ۲۶۱.

۲۰. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۲۱. بقره: ۱۴۳.

۲۲. زیارت اربعین، به نقل از سید بن طاووس، الاقبال،

ج ٣، ص ١٠١.

٢٣. حميرى قمى، قرب الاسناد، ص ٢٢٥ حسين بن حمدان حصيبى، الهداياه الكبرى، ص ٤٠.

٢٤. ابوالفرج اصفهانى، مقاتل الطالبين، ص ٢٠.

٢٥. الهداياه الكبرى، ص ٥١.

٢٦. بحار الانوار، ج ١٦، ص ٧٨ ٨٠.

٢٧. ابن حمزه طوسى، الثاقب فى المناقب، ص ٢٨٥.

٢٨. احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ص ٧٦.

٢٩. بحار الانوار، ج ١٤، ص ٢٠١.

٣٠. بحار الانوار، ج ٤٣، ص ٥٢.

٣١. محمد بيومى، سيده فاطمه الزهراء، ص ١٧١.

٣٢. بحار الانوار، ج ١٨، ٢٣٣.

٣٣. انقطاع: ٨: ٢.

٣٤. ابن شهر آشوب شيرازى، مناقب، ج ٣، ص ١٧٠.

٣٥. آل عمران: ٦١.

٣٦. همان.

٣٧. همان.

٣٨. شيخ طوسى، مصباح المجتهد، ص ٧٢٠.

٣٩. ابن سيد الناس، عيون الاثر، ج ١، ص ١٧١ بحار الانوار، ج ١٦، ص ٧.

٤٠. ضحى: ٨.

٤١. شيخ صدوق، علل الشرايع، ص ١٣٠.

٤٢. شيخ محمد مهدي حائري، شجرة طوبى، ص ٢٣٣.

٤٣. بحار الانوار، ج ١٦، ص ٨.

٤٤. بحار الانوار، ج ١٨، ص ٢٣٣.

٤٥. شجرة طوبى، ج ٢، ص ٢٣٤.

٤٦. نمازى، مستدرک سفینه البحار، ج ٢، ص ٣٥.

٤٧. تبریزی انصاری، اللمعه البيضاء، ص ٢٣.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹